

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
The Mystical Symbols in the Images of the  
Hell of the Mir Heydar Miraj Name  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## نمادهای عرفانی در نگاره‌های دوزخ معراج‌نامه میرحیدر

مهدی محمدزاده<sup>۱\*</sup>، رحیم چرخ‌چی<sup>۲</sup>، زهرا یاری<sup>۳</sup>

۱. دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز. نویسنده مسئول.
۲. مدرک درجه یک هنری، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۳. کارشناس ارشد هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۲ تاریخ اصلاح: ۹۶/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۷ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۳/۰۱

**چکیده:** دوزخ بنابر ادیان، جایی است در جهان دیگر که گناهکاران در آنجا به انواع عقوبت کیفر می‌شوند. شرح این موضوع در قرآن و روایات مربوط به معراج در اندیشه‌های اسلامی به تفصیل آمده است و باز نمود آن در نقاشی اسلامی و به ویژه در نسخ خطی مصور ایرانی مشاهده می‌شود. یکی از نسخ مصوری که موضوع دوزخ به صورت گسترده در آن مورد تصویرسازی قرار گرفته نسخه‌ای از معراج‌نامه معروف «میرحیدر» است و مربوط به عصر تیموری است. با توجه به ماهیت معنوی موضوع از یکسو و بافتار عرفانی عصر تیموری از سوی دیگر، نگارگران این نسخه در آفرینش تصاویر به دفعات از نمادهای عرفانی بهره برده‌اند.

هدف مقاله دستیابی به نحوه ترجمان بصری دوزخ و روایت قرآنی آن توسط نقاشان تیموری است که شامل قرآن و احادیث است.

مقاله حاضر که به روش کتابخانه‌ای است؛ ضمن شناسایی و مطالعه نمادهای عرفانی در این نگاره‌ها با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ۱۶ نگاره دوزخی از نسخه مذکور می‌پردازد. سؤال پژوهش حاضر این است: تصویرگران تیموری معراج‌نامه میرحیدر از کدام نمادهای عرفانی در بیان تصویری دوزخ بهره گرفته‌اند؟

نتایج نشان می‌دهد: نگارگران علاوه بر مصور کردن روایت ادبی به بیان مفاهیم نمادین مورد نظر خود نیز پرداخته‌اند. این بیان با رویکردهای بصری متنوع در اثر دیده می‌شود که با نمادهای عرفانی همگام است. نمادهایی همچون آتش، تاریکی، خار، غل و زنجیر و ... آتش، که مفاهیمی همچون عشق، حرص، ریاضت، شهوت و ... را مصداقی برای آن میدانند و تاریکی سرچشمه نفس در عالم روحانی است پیوند نفس به جسم، در واقع نزولی است از عالم روشنایی به عالم ظلمانی، ظلمانی بدان جهت که از اصل خود دور شده است. این مفاهیم عرفانی در نگاره‌های این نسخه اشاراتی است از دیدگاه عارفانه مصور آنها، بدین طریق از معنای ظاهری که بیانگر داستان است، به معنای باطنی که همان معارف آموزه‌های دینی است رهنمون شده‌اند.

**واژگان کلیدی:** تصویرگری دوزخ، معراج‌نامه میرحیدر، نمادهای عرفانی.

\* نویسنده مسئول ۰۹۱۴۸۲۸۱۱۲۵  
m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

## مقدمه

هنر اسلامی هنری پر رمز و راز و دارای لایه‌های باطنی است؛ همان‌طور که قرآن علاوه بر معنای ظاهری، دارای معنای باطنی و هر آیه، برخوردار از هفت یا هفتاد بطن است<sup>۱</sup>. هنرمند مسلمان براساس مبانی اعتقادی و عرفانی کوشیده است حقایق مکنون هستی را به تصویر بکشد. براساس این نگرش، کاربرد عناصر هنری همچون تاریکی، آتش و...، بیانی حکیمانه از عالم حس است. از جمله این رویکردها، نگاره‌های دوزخ در نسخه خطی معراج‌نامه میرحیدر هستند که در دوره تیموری تصویرگری شده‌اند. مقاله حاضر در پی آنست که نحوه بیان تصویری در عناصر توصیفی دوزخ را در نگاره‌های مذکور پیدا کند و به مطالعه نمادهای عرفانی موجود در آنها بپردازد با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ۱۶ نگاره دوزخی از نسخه مذکور بپردازد که به روش کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند. بنابراین ضرورت این پژوهش در دستیابی به نحوه بیان تصویری این نگاره‌ها، شناسایی و مطالعه نمادهای موجود در این نگاره‌ها است.

هدف از این مقاله دستیابی به نحوه ترجمان بصری دوزخ و روایت قرآنی آن توسط نقاشان تیموری است. در همین راستا سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که تصویرگران تیموری معراج‌نامه میرحیدر از کدام نمادهای عرفانی در بیان تصویری دوزخ بهره گرفته‌اند؟ نتایج به دست آمده از خوانش نگاره‌های دوزخی این معراج‌نامه، بیان می‌دارد؛ نگارگران در بازنمایی بصری این نگاره‌ها براساس منابع ارزشمندی همچون قرآن، احادیث و روایات دست به قلم برده‌اند و علاوه بر مصور کردن روایت ادبی به بیان مفاهیم مورد نظر خود نیز پرداخته‌اند که با رویکردهای بصری متنوع در اثر دیده می‌شود. این رویکرد با نمادهای عرفانی‌ای همگام است که در اشعار مولانا و تعبیر ملاصدرا نیز دیده می‌شود، بنابراین کاربرد این عناصر به واسطه نگارگران برای بیان مفاهیم متعالی عرفانی خویش، نشان از آگاهی نگارگر از جهان عرفانی و عالم معنا است و به این طریق از معنای ظاهری که بیانگر داستان است، به معنای باطنی که همان معارف آموزه‌های دینی است رهنمون شده‌اند.

## مبانی نظری

نماد از منظر علوم بلاغی (که مبنای این پژوهش است) کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر مبنای ظاهری، طیف معنای گسترده‌ای به خواننده القا می‌کند، در واقع نمادپردازی، مجموعه مراحل و تبدلات فرآیند تکوین یک ساختار نمادین است (قبادی، ۱۳۸۸: ۴۴) هنگام مواجه شدن با نمادها و متون رمزی و سمبلیک، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود

که چرا انسان از زبان نمادین بهره می‌جوید؟ انسان زمانی که به بیان دریافت‌های خود از جهان دیگر یا جهان ماوراء حس می‌پردازد، به همان اندازه که شناخت آن به طریق علمی دشوار است، بیانش نیز دشوار می‌کند؛ به همین دلیل در بیان معرفت خویش از زبان نمادین سود می‌برد (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۳۵) دلیل دیگر آن غیر قابل تعریف بودن برخی مفاهیم است. یونگ می‌نویسد: چون اشیاء بی‌شماری و رای فهم انسانی قرار دارد، ما پیوسته اصطلاحات نمادین را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا کاملاً بفهمیم؛ این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور نمادین به کار می‌برند (همان: ۳۶) در این بین عرفان و تصوف، به دلیل مایه‌های اخلاقی آن، از غنی‌ترین نحله‌های فکری بشر است که بیشترین رسالت را در ابلاغ پیام باطنی دین بر عهده دارد. بنابراین اغلب عرفا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محور گزینشی یا جانشینی زبان که در جهت ارتقاء الفاظ آشکار می‌سازند به بروز تجارب شخصی خویش روی آورده‌اند یکی از این ظرفیت‌های زبانی، استفاده از زبان استعاری و نمادین است. در این دیدگاه، نمادپردازی اوج قاعده‌افزایی و هنجارگریزی‌های زبانی است و دستیابی به چنین فئونی از سوی عرفاست که آنان را قادر ساخته نه تنها خود، دیگران را نیز در برابر نگاه هنری و جمال‌شناسانه به دین (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۴-۱۵) قرار دهند و با خویش شریک سازند. در مواجهه با آثار هنری اسلامی نیز مشاهده می‌کنیم که کاربرد اشیاء و عناصر مختلف در اثر هنری به گونه‌ای متفاوت از دیگر آثار هنری تاریخ جهان خلق شده‌اند. گویی که زبان هنرمند مسلمان در بازگو کردن روایت وی از عالم هستی از رمزگان ویژه‌ای بهره گرفته است. از آنجایی که "در هنر اسلامی هیچ‌گاه موجودیت اشیاء را به اعتبار خودشان طرح نمی‌کنند و هرگز نمایشگر عالم مجرد صرف هم نیستند زیرا عالم قدس از عالم ملک جدا نیست که اگر آنی جدا بود چیزی در عالم وجود نمی‌داشت" (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۶) بنابراین "هنرمند در خیال خود به عالمی راه می‌یابد که عالم نامحسوس است و سعی می‌کند با مثال و رمز، نشانه‌هایی از آن عالم را بنمایاند، عالمی که عالم حقیقت است. در هنر دینی، این صورت ظاهری هنر است که به عنوان راز و رمزی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و هنرمند خیال خود را مصور می‌سازد، اما آنچه اهمیت دارد، گذر از این صورت ظاهر به باطن است و باید از آن کنده شود و تعالی پیدا کند" (همان: ۱۰۱). به این ترتیب در این پژوهش به مطالعه و بررسی نمادهای موجود در عناصر بصری ۱۶ نگاره دوزخی؛ از نسخه مصور معراج‌نامه میرحیدر پرداخته شده است که با استفاده از تفاسیر عرفانی (خصوصاً اندیشه‌های ملاصدرا و مولانا) و توصیفات قرآنی انجام گرفته است.

### پیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام شده در خصوص پیشینه نشان می‌دهد که اغلب منابع به مباحث کلی از جمله: موضوع معراج و چگونگی آن، پیامبر و فرشتگان و ... پرداخته‌اند. از منابعی که مشخصاً به توصیف دوزخ پرداخته‌اند می‌توان به (آموزگار، ۱۳۹۴) اشاره کرد، که در آن به بررسی اعتقادات عامه ایرانیان پیش از اسلام درباره آخرت پرداخته است و تصویر جامعی را از جهنم در زرتشتی‌گری به دست می‌دهد. موضوع این کتاب رفتن قدیسی به نام ویراف در زندگانی به بهشت و جهنم و برزخ و مشاهده نتیجه کردارهای آدمیان در عالم عقبی ذکر شده است. همچنین «رساله الغفران» (مصر: ۲۰۱۴م)، نوشته ابوالاعلاء معری که سیر ابنقارح در بهشت و جهنم را روایت می‌کند. در میان مقاله‌ها می‌توان به «تطبیق نشانه معناشناسی تصاویر جهنم در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی و آثار ذره از کمدی الهی دانت»، نوشته (وکیلی و جوانی: ۱۳۹۳) اشاره کرد که با نگاهی گذرا به نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی و تصویرسازی‌های کمدی الهی که به عنوان دو الگوی سفر معنوی و روحانی به عوالم پس از مرگ آدمی در دو فرهنگ غرب و شرق است، به بررسی تطبیقی این تصاویر در حوزه نشانه - معناشناسی پرداخته است. همچنین بخشی از مقاله «سقانفار با تأکید بر موضوع خیر و شر» نوشته محمد اعظم زاده، انصاری و خزایی و همچنین کتاب «نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران» نوشته علی اصغر میرزایی مهر (۱۳۸۶) به بررسی نقاشی‌های روایی عامیانه و مذهبی بر دیوار بقاع متبرکه پرداخته است، بخشی از این دیوارنگاره‌ها به بررسی تصاویر جهنم و عبور از پل صراط اختصاص دارد. در پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز؛ پایان‌نامه شهربانو منصوری (۱۳۹۳) در مقطع کارشناسی ارشد، از دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه «توصیفات قرآن از بهشت و جهنم، نماد یا واقعیت» به مطالعه و تحلیل در خصوص زبان قرآن و بلاخص زبان نمادین پرداخته است و اشاره می‌کند که قرآن در بیان توصیفات خود از بهشت و جهنم از زبان نمادین بهره جسته است. در پایان‌نامه‌ای دیگر از دانشگاه شاهد در مقطع کارشناسی ارشد «تبیین ویژگی‌های تصویری بهشت و جهنم در معراج‌نامه شاهرخی» نوشته محبوبه زارع مهرجردی (۱۳۸۸)، به مضامین بهشت و جهنم به عنوان بخشی معراج‌نامه و شناسایی تصویری آن، ساختار بصری و ارتباط آن با موضوع تصویرسازی شده پرداخته است که طی آن به ارتباط معنی‌دار بین ساختار ترکیب‌بندی و رنگ‌ها و نمادهای استفاده شده. کتاب «معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد(ص)» (شیندشتگل: ۱۳۸۹) به معراج پیامبر(ع) در شاخص‌ترین دوره‌های مختلف نگارگری پرداخته و معراج‌نگاری‌های انجام شده در گستره

تاریخ نقاشی ایران را مورد تطبیق قرار داده است. پژوهش‌های مذکور بیشتر نگاهی کلی و معطوف به موضوع معراج پیامبر را داشته‌اند و به صورت اجمالی به مشاهدات پیامبر از بهشت و جهنم در حین معراج اشاره شده است. اما در هیچ یک از این منابع به طور جامع به بررسی تصاویر دوزخ، ارتباط و شکل‌گیری این تصاویر با متن قرآن و بررسی عناصر نمادین موجود در نگاره‌های این نسخه خطی پرداخته نشده است.

### روش انجام تحقیق

به منظور دستیابی به هدف پژوهش، که در پی شناسایی و مطالعه نمادهای عرفانی؛ از عناصر بصری دوزخ و روایت‌های قرآنی در تصویرگری نقاشان تیموری است، ابتدا به معرفی پیکره مطالعاتی مورد نظر پرداخته و ۱۶ نگاره دوزخی از معراج‌نامه میرحیدر را مورد بررسی قرار داده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش استقرایی انجام یافته است.

### معراج‌نامه میرحیدر و نگاره‌های دوزخ

در میان آثار باقیمانده از عصر تیموری نسخه خطی ارزشمند و مصور معراج‌نامه میرحیدر «۸۴۰ - ۸۳۹» موجود است که مربوط به دوره حکومت شاهرخ است. این نسخه خطی واجد ۲۶۵ صفحه به ابعاد «۳۴×۲۲/۵» سانتی‌متر و ۶۱ تصویر است که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. این معراج‌نامه توسط میرحیدر به زبان ترکی اویغوری نوشته شده و به دست مالک بخشی هراتی کتابت شده است (رزسگای، ۱۳۸۵: ۷-۸) و بعدها در صفحات آن ترکی عثمانی و عربی حاشیه‌نویسی شده است. نگاره‌های نسخه در ابعاد متنوع و عموماً در وضعیت مربع با ترکیب‌بندی ساده و یکنواخت در حالت متقارن، در جداول زرین، میان متن نخودی رنگ کاغذ مصور شده است (شیندشتگل، ۱۳۸۹: ۱۱۸). نسخه مورد نظر علاوه بر محتوای مذهبی، به لحاظ شیوه بیان تصاویر آن و هم به لحاظ تحولات خطی در نوشتار، اهمیتی در خور توجه در هنر اسلامی دارد و همچنین منبع قابل توجهی در جهت فهم مفاهیم و باورهای مذهبی عصر تیموری است. تجسم ملموس‌تر از دوزخ و یا به نوعی بازنمایی بصری آن و عذاب‌هایش، هرچند به صورت پراکنده موضوع تصویرگری در مکاتب مختلف اسلامی بوده‌اند ولی هیچ نسخه مصوری به اندازه معراج‌نامه میرحیدر، بخش‌های مختلف دوزخ را مورد توجه قرار نداده است. تصاویر دوزخی در این نسخه شامل ۱۶ نگاره در پانزده صفحه است که شامل: (دروازه دوزخ، درخت زقوم، مجازات بدگویان، مجازات رباخواران، عذاب منافقان، مجازات زنان بی‌عفت، مجازات زنان سبک رفتار، عذاب غاصبان سهم یتیمان، کیفر زنان زناکار، عذاب کسانی که زکات اموالشان را نپرداخته‌اند، عذاب کسانی که به دروغ

متکبرین) و به تصویرگری دیدار پیامبر (ص) از عذاب‌های دوزخ و بخش‌های مختلف آن پرداخته است (جدول ۱).

خوش‌آمدگویی کرده‌اند، مجازات شهادت دهندگان به دروغ، کیفر سرپیچی از دستورات خداوند، عذاب شراب‌خوران، عذاب

جدول ۱. نگاره‌های دوزخ در معراج‌نامه میرحیدر. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عنوان	شماره صفحه
۱	دروازه دوزخ	53 r
۲	درخت زقوم	53 v
۳	مجازات بدگویان	55 r
۴	مجازات رباخواران	55 v
۵	عذاب منافقان	57 r
۶	عذاب رباکاران	57 v
۷	مجازات زنان بی‌عفت	59 r
۸	مجازات زنان سبک رفتار	59 v
۹	عذاب غاصبان سهم یتیمان	61 r
۱۰	کیفر زنان زناکار	61 v
۱۱	عذاب کسانی که زکات اموالشان را نپرداخته‌اند	63 r
۱۲	عذاب کسانی که به دروغ خوشامدگویی نموده‌اند	63 v
۱۳	مجازات شهادت دهندگان به دروغ	65 r
۱۴	کیفر سرپیچی از دستورات خداوند	65 r
۱۵	عذاب شراب‌خوران	65 v
۱۶	عذاب متکبرین	67 r

و مختصات تقسیم کرد. این عناصر شامل اشیاء محیطی همچون: آتش و شراره، تاریکی (دود)، درهای دوزخ، درخت زقوم، غل و زنجیر، حمیم (آب سوزان)، نگهبانان و مأموران دوزخ (زبانیه، مالک، خازنان)، مأموران عذاب و گرز آهنین و مختصات آن شامل ریختن آب جوش بر سر دوزخیان، تغییر سیمای دوزخیان و تغییر رنگ پوست دوزخیان است. از جمله توصیفاتی که قرآن در رابطه با دوزخ ذکر کرده است طبقات مختلف و درهای آن است که در سوره‌های متعددی به درهای دوزخ اشاره کرده است.<sup>۲</sup> از عناصر موجود در دوزخ درخت زقوم است؛ زقوم، اسم عربی است. گیاهی صحرايي دارای ساقه-های بلند و ستبر، برگ‌هایش شبیه به برگ انار، گل‌هایش شبیه به گل یاسمین و زرد رنگ، ثمر آن سیاه و شبیه هلیله است؛ «عمید، : ۱۱۰۹) در قرآن کریم، از درخت زقوم در سوره‌هایی همچون (صافات/۶۲-۶۸)<sup>۳</sup> و (دخان/۴۳-۵۰) نام آورده شده است.<sup>۴</sup> از دیگر عذاب‌هایی دورخیان این است که به آنها نوشابه حمیم و غساق می‌نوشانند. از نمونه آیاتی که در آنها به حمیم اشاره شده است می‌توان آیات ۲۹ سوره کهف،

### عناصر و مختصات دوزخ در قرآن

از آن جایی که در نظام‌های تصویری موجود، با تعدادی از عناصر ثابت و متغیر روبرو هستیم؛ بنابراین از تصاویر دوزخی این نسخه بیشتر به تصاویری می‌پردازیم که دارای عناصر تصویری مشابه متن قرآن هستند. لذا پیش از آنکه تصاویر را مورد تحلیل قرار دهیم ابتدا به استخراج روایت قرآنی دوزخ و عناصر وابسته به آن، پرداخته و سپس این عناصر را مبنای مطالعه قرار می‌دهیم.

نام جهنم، دار مکافات و کیفر پس از مرگ است (دهخدا، ۳۷۹:۱۳۷۷) جهنم، تحت همین نام، ۷۷ مرتبه در قرآن کریم آمده است و نیز با عناوین و القاب دیگری از جمله بیشتر آنها واژه نار است که ۱۴۵ بار در قرآن تکرار شده است. از این تعداد فقط ۲۶ مرتبه آن تحت عناوینی غیر از جهنم به کار رفته و بقیه هم در مورد جهنم و آتش جهنم است (خوشدل، ۱۳۸۲ : ۳۷۹) همچنین از اسامی دیگری چون جحیم و سقر و... استفاده شده است. مجموعه توصیفات قرآنی جهنم را می‌توان به دو گروه عناصر

می‌شود و پوستشان می‌سوزد و برای آنان گرزهای آهنین در کار است<sup>۶</sup> تاریکی و آتش از جمله ویژگی‌های دوزخ است که قرآن به آن ذکر کرده است: «پروید زیر سایه دودهای آتش جهنم که از سه جانب شما را احاطه کند. نه آنجا سایه‌ای خواهد بود و نه از شرار آتش نیز نجاتی دارند. آن آتش هر دم شراری بیافکند شعله‌اش مانند قصری است. گویی آن شراره (در بزرگی و رنگ) به شتران زرد مانند است»<sup>۷</sup>. غل و زنجیر بر دست و پای دوزخیان از دیگر مختصات دوزخ است: «بعضی از جهنمیان را با غل و زنجیرها نیز می‌بندند»<sup>۸</sup> مجموعه عناصر و مختصات ذکر شده در توصیفات قرآنی را در جدول ۲ ملاحظه می‌شود. ستون ۴ جدول توزیع کمی این عناصر را در نگاره‌ها نشان می‌دهد.

۶۷ سوره صافات، ۵۷ سوره ص، ۴۶ سوره دخان، ۵۴ سوره واقعه و ۲۵ سوره نبا را نام برد. نگهبانان دوزخ از دیگر عناصر و مختصات دوزخ هستند که در قرآن نیز به آنها اشاره شده است «زبانیه جمع زبنيه و زبني. کسانی که مردم را میرانند. جهنمیان، فریشتگان جهنم، زبنيه: فریشته عذاب. الزبانیة جماعة: جهنمیان» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۶۵۵). این واژه هم در آیه ۱۸ سوره علق و در آیه ۶ سوره تحریم به کار رفته، در قرآن کریم این واژه به معنی نگهبان آتش یا آتشبان آمده است<sup>۵</sup>. دگرگونی رنگ پوست و سیمای دوزخیان، ریختن آب جوش بر سر آنان و گرزهای آهنین از توصیفات است که قرآن به آن اشاره کرده است: «جامه آتش را بر بالای کافران بریده‌اند، و بر سر آنان آب جوش ریخته می‌شود، که با آن درونشان گداخته

جدول ۲. عناصر و مختصات دوزخ در قرآن. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نوع عذاب	آیات	تعداد نگاره
۱	آتش و شراره	(بقره/۲۴) (تحریم/۶) (کهف/۲۹) (مرسلات/۳۳)	۱۶
۲	تاریکی (دود)	(مرسلات/۳۱)	۱۶
۳	درهای دوزخ	(غافر/۷۶) (زمر/۷۱)	۱
۴	درخت زقوم	(صافات/۶۲-۶۷)	۱
۵	غل و زنجیر	(فرغان/۱۳-۱۴) (انسان/۴) (غافر/۷۱) (الحاقه/۳۰) (ابراهیم/۴۹-۵۰) (مؤمنون/۷۱-۷۲)	۱
۶	حمیم: آب سوزان	(انعام/۷۰) (کهف/۲۹)	۲
۷	مأموران عذاب	(تحریم/۶) (ق/۲۱) (علق/۱۸)	۶
۸	گرز آهنین	(حج/۲۱-۲۲)	۷
۹	نگهبانان دوزخ	(غافر/۷۱) (زمر/۷۱) (مؤمن/۴۹) (ملک/۸) (مدثر/۳۰ و ۳۱) (علق/۱۸) (زخرف/۷۷)	۱۱
۱۰	ریختن آب جوش بر سر دوزخیان	(حج/۱۹-۲۲)	-
۱۱	تغییرسیما	(مائده/۶۰)	۱
۱۲	تغییر رنگ پوست	(آل عمران/۱۰۶-۱۰۷)	۱

### معرفی و خوانش نگاره‌ها

در مطالعه توصیفات قرآنی از دوزخ به ۱۲ عنصر مختص برخورد کرده‌ایم که می‌توانند در نگاره‌ها مورد توجه نقاشان بوده باشند. در ادامه ضمن خوانش نگاره‌ها به جستجوی این عناصر در تک تک نگاره‌ها پرداخته شده است.

دو عنصر تاریکی و آتش دوزخ تقریباً در همه نگاره‌ها به وضوح دیده می‌شود دروازه دوزخ و مالک دوزخ با چهره قرمز رنگ به همراه گرز زین و جامه‌ای قرمز رنگ در نگاره اول به تصویر درآمده است و در نگاره دوم زقوم، درختی تلخ و زهردار که بنابر توصیفات قرآن (صافات/ ۶۲-۶۷)،

در بن دوزخ می‌روید و میوه آن شباهت به سرهای دیوان (رئوس الشیاطین) وجود دارد. این درخت خارهایی نیزه مانند و میوه‌هایی دارد که از سرهای حیواناتی چون شیر، فیل، خوک، اژدها و... تشکیل شده است. همچنین نگهبان، دیو شکل به همراه گرز در دست که در میان آتش ایستاده است در این نگاره و تقریباً در همه نگاره‌ها به جز شماره ۱، ۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ مشاهده می‌شود. مأموران عذاب که به شکل انسان‌هایی با پوستی قرمز رنگ تصویر شده‌اند، یکی از عناصر موجود در نگاره‌های شماره ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۳ و ۱۴ در حال عذاب گنه‌کاران هستند. از دیگر عناصر موجود در این نگاره‌ها غل و زنجیرهایی است



نار، خصم آب و فرزندان اوست همچنان که آب خصم جان اوست آب آتش را گشود زیرا که او خصم فرزندان آب است و عدو بعدازین نار، نار شهوت است کاندرو اصل گناه و ذلت است در تعبیر عرفانی آتش در معنای گناه و حجاب راه آمده است (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۷۹: ۱۲). همچنین عطار در بیته آورده است که :

وگر خواهی کز آتش بگذری تو به آتگاه دنیا ننگری تو  
وگر مویی خیانت کرده باشی به کوه آتشین در پرده باشی  
(الهی‌نامه، ۹۱۳۸۸۹)

آتش نیز کنایه از تعلقات دنیا و آویزه‌های این جهانی است (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۷۹: ۱۴).

در جهان چندان که آویزت بود هر یکی صد آتش  
تیزت بود

(منطق‌الطیر، ۲۰۵۹)

از صفات بارز آتش پاک‌کنندگی است، عشق آتشی است روحانی که هر چه غیر حق را بسوزاند و خضروار به آب زندگانی رسد. مولانا نیز معتقد است که حقیقت آب کوثر جز آتش عشق نیست :

ای دل از آب کوثرت باید آتش عشق را تو کوثر گیر  
(دیوان شمس، غزل ۳۶۸)

از دیگر عناصر ثابت در تمام نگاره‌های دوزخ، تاریکی است. ملاصدرا اشاره می‌کند که دوزخ سرای روحانی خالص نیست، بلکه تیره است و آمیخته با این عالم است، گویی که آن همین عالم است که با نیروی قهرمانی و زمام تسخیر به آخرت کشانده شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۶۳).

"تاریکی نیز سرچشمه نفس در عالم روحانی است پیوند نفس به جسم در واقع نزولی است از عالم روشنایی به عالم ظلمانی، ظلمانی به آن جهت که از اصل خود دور شده است. هرچه تعلقات جسم ما بیشتر باشد، نفس سنگین‌تر شده و حالتی مادی، کدر و مات به خود می‌گیرد، اگر جسم با خواسته‌های مادی خود، سنگینی و کدورت خود را فزون سازد، روح نیز دارای ثقل و سنگینی بیشتری خواهد شد که در نتیجه آن، حجاب‌ها نیز زیادتر می‌شود" (معمارزاده، ۱۳۸۶: ص ۶۴ و ۶۵).  
درآیه (۴۰/ نور) خداوند اعمال کافران را به ظلمت‌هایی تشبیه کرده که در اعماق دریاها وجود دارد و غرض از کفار همه کسانی است که حقیقت به آنها عرضه شده و با این حال در مقابل حقیقت ایستاده‌اند. مولانا نیز تحت تأثیر همین آیات تاریکی را انکار حقایق و جهل می‌داند :

ور مثال احمقی پیدا شود / ظلمت شب پیش او روشن شود  
کوزشب مظلم‌تر و تاری‌ترست

لیک خفاش شتی، ظلمت خرس  
اندک‌اندک خوی کن با نور روز

ورنه خفاشی، بمانی بی‌فروز

که بر دست و گردن و پای گنه‌کاران مصور شده‌اند، همچنین صورت‌های سیاه از دیگر خصوصیات است که در نگاره شماره ۱۲ می‌توان به آن اشاره کرد.

تغییر سیمای دوزخیان که به شکل خوک و الاغ درآمده‌اند یکی دیگر از ویژگی‌های این محکومان است که در نگاره شماره ۱۳ به تصویر درآمده است.

از دیگر مختصات دوزخ که در نگاره شماره ۱۶ مشاهده می‌شود عذاب گناهکاران توسط عقرب و مار است که با نیش، زهری کشنده به بدن آنها وارد می‌کنند، عذاب می‌شوند (جدول ۳).

### یافته‌ها

در خوانش نگاره‌های موجود از نسخه معراج‌نامه ابتدا به بررسی و استخراج روایت قرآنی دوزخ و عناصر وابسته به آن، پرداخته و سپس این عناصر را مبنای مطالعه قرار داده. در مرحله بعدی خود آثار و محتوای درون متنی آنها براساس تفاسیر عرفانی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی نگاره‌های دوزخی این معراج‌نامه، عناصری همچون نگهبانان دیو شکل به همراه گرز آهنین و مأموران عذاب در اکثر نگاره‌ها حضور دارند و دو عنصر آتش و تاریکی در تمامی نگاره‌ها دیده می‌شود، همچنین ریختن آب جوش بر سر دوزخیان از جمله مختصات است که در قرآن به آن اشاره شده است؛ اما در نگاره‌ها وجود ندارد و از دو عنصر عقرب و مار به عنوان عذاب‌های دوزخیان در بسیاری از احادیث سخن به میان آمده؛ اما قرآن به آنها اشاره‌ای نکرده است در یکی از نگاره‌ها دیده می‌شود (جدول ۴).

از جمله عناصر ثابت که در تمام تصاویر دوزخ مشاهده می‌شوند آتش و تاریکی هستند. عنصر آتش که تقریباً نیمی از فضای تصویر را به خود اختصاص داده است، به رنگ طلایی است. در قرآن نیز آتش دوزخ و شراره‌های بزرگ آن به شتران زرد مو تشبیه شده است: «إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ \* كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ» (مرسلات/ ۳۲ و ۳۳). مفاهیمی همچون عشق، حرص، ریاضت، شهوت، شیطان، و... را مصداقی برای آتش می‌دانند. مولانا نیز آتش را سمبل (عصیان، وسواس و احساسات نفسانی) می‌داند و حقیقت آتش را به نفس برمی‌گرداند و حس و فکر را از آن رو که تجلیات نفس اماره بشر است، آتشی می‌داند :

چون شما این نفس دوزخ خوی را آتشی گبر فتنه  
جوی را

جهدها کردید و او شد پر صفا نار را گشتید از بهر خدا  
(مثنوی، دفتر ۲، ۲۵۵۹-۲۵۶۰)









مولانا به پیروی از قرآن و سیره بزرگان دین، آتش را سمبل شهوت می‌داند (تاجدینی، ۱۳۸۲: ۳۳) :

تو نمیدانی که خصمانت کی‌اند ناریان، خصم وجود خاکی‌اند

جدول ۳. نگاره‌های دوزخی در معراج‌نامه میرحیدر. مأخذ: نگارندگان.

نگاره‌های دوزخی			
	نگاره (۱)		نگاره (۲)
نگاره (۱) دروازه دوزخ، برگ ۵۳، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (رزسگای، ۳۸۵: تصویر ۴۴)		نگاره (۲) درخت زقوم، برگ ۵۳ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۴۵)	
	نگاره (۳)		نگاره (۴)
نگاره (۳) مجازات بدگویان، برگ ۵۵، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۴۶)		نگاره (۴) مجازات رباخواران، برگ ۵۵ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۴۷)	
	نگاره (۵)		نگاره (۶)
نگاره (۵) عذاب منافقان، برگ ۵۷، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۴۸)		نگاره (۶) عذاب ریاکاران، برگ ۵۷ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۴۹)	



	<p>نگاره (۸)</p>		<p>نگاره (۷)</p>
<p>مجازات زنان سبک رفتار، برگ ۵۹ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۱)</p>		<p>مجازات زنان بی عفت، برگ ۵۹، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۰)</p>	
	<p>نگاره (۱۰)</p>		<p>نگاره (۹)</p>
<p>کیفر زنان زناکار، برگ ۶۱، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۳)</p>		<p>عذاب غاصبان سهم یتیمان، برگ ۶۱، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۲)</p>	
	<p>نگاره (۱۲)</p>		<p>نگاره (۱۱)</p>
<p>عذاب کسانی که به دروغ خوش آمدگویی بزرگان نموده‌اند، برگ ۶۳ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۵)</p>		<p>عذاب گناهکارانی که زکات اموال خویش را نپرداخته‌اند، برگ ۶۳، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۴)</p>	
	<p>نگاره (۱۴)</p>		<p>نگاره (۱۳)</p>
<p>کیفر سرپیچی از دستورات خداوند، برگ ۶۵، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۶)</p>		<p>مجازات شهادت دهندگان دروغ، برگ ۶۵، نیمه اول قرن ۹ ه.ق (همان: تصویر ۵۶)</p>	





(مثنوی، دفتر ۴، ۴-۲۱۸۲)

همانطور که درخت سدره به عنوان یکی از عناصر مختص بهشت معرفی شده است؛ درخت زقوم نیز از مختصات دوزخ است، نگاره ۲ درخت دوزخی زقوم را با خارهای نیزه مانند میان شعله‌های آتش نشان می‌دهد (تصویر ۱۷). از خار در اصطلاحات عرفانی به هواهای نفسانی تعبیر شده چنانچه مولانا نیز هواهای نفسانی را به خار تشبیه کرده است که جان را آزار می‌دهد، به نظر او از بین بردن خارهای نفسانی با رساندن آتش ریاضت به خارهای نفس ممکن می‌شود:

نفس، زینسان است، زان شد کشتنی

أَقْتُلُو أَنْفُسَكُمْ گفتم آن سنی

خار سه سوی است، هر چون کیش نهی

در خلد وز زخم او تو کی جهی؟

آتش ترک هوا در خار زن

دست اندر یار نیکوکار زن

(مثنوی، دفتر ۳، ۳۷۴-۳۷۶)

در نگاره شماره ۱۲ ریاکارانی تصویر شده‌اند که بر دست و پایشان غل و زنجیر بسته شده است (تصویر ۱۸). این زنجیرها واقعیتهای خارج از وجود ما ندارند. در عالم معانی نیز زنجیرهایی وجود دارد همچون ریاکاری که از جمله تمایلات نفسانی است که در اینجا تبدیل به صد من آهن شده و به صورت غل و زنجیر به دست و پای روح بسته شده است قرآن نیز به این اغلال (زنجیرهای) باطنی اشاره کرده است (یس / ۷). ریاکاری از جمله تمایلات نفسانی است که مانند بند و زنجیر آدمی را در خود حبس می‌کند. مولانا نیز از این تمایلات به غل و زنجیر تعبیر کرده است:

کرده حق ناموس را صد من حدید / ای بسی بسته به بند ناپدید  
گفت اغلالاً فهمم به مقمّحون / نیست آن اغلال بر ما از برون

(مثنوی، دفتر ۱، ابیات ۴۲-۳۲۴)

چهره‌های سیاه، از مختصات بارز دوزخیان در این نگاره است، در قرآن نیز به آن اشاره شده است و سیاه را نماد جهل و شقاوت معرفی می‌کند «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ...» (آل عمران / ۱۰۶ و ۱۰۷) علامه طباطبایی نیز عنوان کرده: "سیاهی کنایه از انفعال و خجالت و سرافکنندگی کافران دارد" (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۱۴) ملاصدرا بیان کرده است که اهل دوزخ حقیقتاً مشرکان و کافرانند که چهره‌هاشان سیاه است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۳۶).

در نگاره شماره ۱۳ شاهد محکومانی هستیم که سرهایشان به شکل الاغ و خوک درآمده است (تصویر ۱۹). این گناهکاران از روی جهل است که به دروغ شهادت داده‌اند، «جهل هم نقطه مقابل علم و هم نقطه مقابل عقل است. جهلی که در برابر علم است، اصطلاحاً جهل بسیط نامیده می‌شود اما جهلی را که نقطه مقابل عقل است، جهل مرکب گویند. جهل مرکب بیشتر

با دانایی تناسب دارد تا نادانی» (تاجدینی، ۱۳۸۲: ۳۳۸). بنابراین جهل این محکومان از روی دانایی است و چون تمام توجهشان به عالم ظاهر و کثرت‌ها بوده است از این رو انکار می‌ورزند و این انکار نیز به دلیل حرص و طمعی است که بر دنیا و ظواهر آن دارند. از آنجایی که حشر هر کس بر صفتی است که در او چیره می‌شود؛ در این نگاره نیز، می‌بینیم که گناهکاران با سیمایی ناشی از جهل و آزمندی آنان تصویر شده‌اند و صورتی که در روز رستاخیز متناسب با شخص آزمند و جاهل باشد به صورت خوک و خر محشور می‌شود. عرفا نیز نادانان و منکران حقیقت را خر نامیده‌اند (همان: ۳۳۶) و خوک در مثنوی نمادی از آزمند حرام‌خوار است:

حَسْرَ پُر حَرَصِ حَسِ مُرْدَارِ خَوَارِ صَوْرَتِ خَوَكِي بُوَد  
روز شمار

بیشهای آمد وجود آدمی

بر حذرشو زین وجود، ار زان دمی

در وجود ما هزار انگرگ و خوک

صالح و ناصالح و خوب و خَشوک

حکم آن خو راست کآن غالب ترست

چونکه زر بیش از مس آمد آن زرست

سیرتی کآن در وجودت غالبست

هم بر آن تصویر حشرت واجبست

(مثنوی، دفتر ۲، ابیات ۱۴۱۳-۱۴۱۷)

در توصیف صفات دوزخیان ملاصدرا نیز در رساله سه اصل آورده است: «در نتیجه اصل دوم که متابعت شهوت و آرزوهای نفس و پیروی غرض‌های دنیاست و آن از فطرت اصلی منسلخ شدن است، و کور و گنگ با بهایم و حشرات محشور شدن، زیرا هر صفت که در دنیا بر کسی غالب شود به سبب بسیاری افعال و اعمالی است که صاحب آن صفت را است، و در روز قیامت صاحبش به صورتی مناسب آن صفت محشور می‌شود» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۷: ۶۴). در قرآن در مورد تأیید محکومیت گناهکارانی که از تکذیب‌کنندگان آیات الهی هستند، در سوره مؤمنین آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ چنین آمده: «و آنان که از اعمالشان سبک وزن است، زیانکارانند و در دوزخ، جاودان خواهند بود. آتش دوزخ صورت‌های آنان را می‌سوزاند و در دوزخ، زشت منظر خواهند زیست».

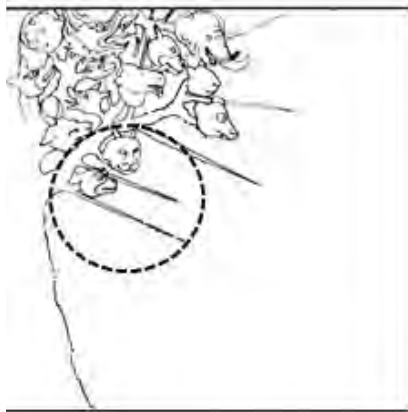
در نگاره شماره ۱ دروازه ورودی دوزخ نشان داده شده است، در گذرگاه و نمایان‌گر عبور از وضعی به وضع دیگر بود؛ تعبیر دیگری که در اینجا از در می‌توان داشت به گفته مولانا (تعلقات نفسانی) است؛ مولانا این در را، به در خیبر تشبیه کرده که باید مردانه به قلع آن اقدام کرد:

یا تیر برگیر و مردانه بزن

تو علی‌وار این در خیبر بکن

(مثنوی، دفتر ۲، ۱۲۴۴)

نسفی نیز افعال و کردارهای ناپسند را به درهای دوزخ تشبیه



تصویر ۱۷. نمایش خطی درخت زقوم.



تصویر ۱۸. نمایش غل و زنجیر. بخشی از تصویر ۱۲.



تصویر ۱۹. سیمای دوزخیان. بخشی از تصویر ۴.

کرده است: "دوزخ را هفت در است که اقوال و افعال ناپسند درهای آن هستند، و بهشت را هشت در که افعال و اقوال پسندیده درهای آن بود، مشاعر آدمی نیز هشت است پس حس ظاهر به اضافه خیال و وهم و عقل و هرگاه عقل با این هفت همراه نباشد و این هفت بی فرمان عقل کار کنند، هر هفت درهای دوزخ بوند" (نسفی، ۱۳۴۱: ۲۹۶).

از دیگر عناصر و مختصات موجود در نگاره‌های دوزخ نگهبانان دیو شکل هستند که فقط در نگاره‌های (۱، ۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶) به نمایش درنیامده‌اند؛ در قرآن نیز به معنی نگهبان آتش یا آتشبان آمده است.

از دیو در فرهنگ و اصطلاحات عرفانی به نمودار صفات رذیله تعبیر شده است (سجادی، ۱۳۷۰: ۳۹۸). همچنین آن را گمراه کننده می‌دانند، در واقع این دیو همان نفس‌های جاهلان بدکردار است که از جسدهایشان جدا شده‌اند و بر آنچه از شهوت‌های حسی و آرزوهای نفسانی آنان ظاهر می‌شود در قالب جسمی زشت نمود پیدا می‌کند (طاهرخانی، ۱۳۷۸-۷۹: ۳۵). در نگاره‌های دیگر نگهبانان دیو شکل دوزخ همراه با گریزی آتشین در دست، در میان آتش ایستاده‌اند (تصویر ۹). قرآن نیز در اشاره به این گرزها در سوره (حج / ۱۹-۲۲) اشاره می‌فرماید (تصویر ۲۰).

در نگاره ۱۶ پس‌زمینه تاریک همچون نگاره‌های پیشین همانطور که در سوره (بقره / ۱۷) عنوان شده؛ می‌تواند کنایه‌ای از گمراهانی باشد که در درون قفس‌هایی محبوس‌اند و توسط حشراتی همچون مار و عقرب عذاب می‌شوند، در فرهنگ نماد و نشانه‌ها، قفس: رابطه انسان با دنیا و بدن جسمانی است و در نزد عارفان، آن را به زندان و چاه تشبیه کرده‌اند (تاج‌دینی، ۱۳۸۲: ۶۹۷). مولانا در دفتر ۱ مثنوی تنها راه‌هایی از این قفس را پیروی از دین و فرمان الهی می‌داند:

از برون آوازشان آید ز دین که ره رستن این است این  
ما به دین رستیم زین تنگین قفس

جز که این‌ره نیست چاره این قفس

(مثنوی، دفتر ۲، ابیات ۵۰ - ۱۳۴۸).

عقرب نیز در آثار مولانا در بیان دو معنا است: ۱- دنیا و مظاهر آن ۲- حرکت سالکی که مرشد ندارد، به حرکت کژدم می‌ماند چرا که عقرب، کج حرکت می‌کند و در تاریکی نمی‌بیند و زشت و زهردار است و کارش نیش زدن به دیگران (تاج‌دینی، ۱۳۸۲: ۶۶۵) و مار کنایه از نفس اماره است (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۹۱). انتخاب رنگ قرمز برای قفس‌هایی که در آتش می‌سوزند بنا به تعبیر مولانا؛ می‌تواند تمثیل، سرخی آهن در آتش باشد؛ مولانا می‌فرماید: انسان فانی از خود و باقی به حق مانند آهنی است که در حرارت بالای آتش قرار گرفته است و رنگی آتشین دارد، آهن اگر چه خاموش و سرد است اما وقتی با آتش کاملاً وحدت پیدا کرد، به زبان حال می‌گوید من عین آتشم و ماهیت آهنی





تصویر ۲۰. نگهبانان دیو شکل همراه با گرز، از سمت راست بخشی از تصاویر ۱۳ تا ۱۸.

هستند : آتشی که شعله‌اش مانند قصری است، درکات آن، درخت زقوم با میوه‌های شیطانی، چشمه آب سوزان، نگهبانان، غل و زنجیر و تغییر رنگ پوست و چهره دوزخیان؛ این عناصر با اندکی تغییر در نگاره‌های دیگر نیز مشاهده می‌شوند از جمله آتش و تاریکی که در تمامی نگاره‌ها به عنوان نشانه تصویری دوزخ هستند، مأموران عذاب و نگهبانان دیو شکل نیز از جمله عناصر ثابت دیگر هستند که در اکثر نگاره‌های این نسخه، در میانه تصویر همراه با گرز در آتش ایستاده‌اند همچنین ریختن آب جوش بر سر دوزخیان از جمله مختصاتی است که در قرآن به آن اشاره شده است؛ اما در نگاره‌ها وجود ندارد و دو عنصر عقرب و مار به عنوان عذاب‌های دوزخیان که در یکی از نگاره‌ها دیده می‌شود در بسیاری از احادیث سخن به میان آمده اما در قرآن به آنها اشاره‌ای نشده است. نگارگر در بازنمایی بصری این نگاره‌ها که براساس منابع ارزشمندی همچون قرآن، احادیث و روایات بوده است؛ علاوه بر مصور کردن داستان، به بیان مفاهیم نمادین مورد نظر خود پرداخته است. به این ترتیب چنین می‌توان بیان کرد : مفاهیم عرفانی همچون آتش، تاریکی و ... در نگاره‌های این نسخه نشان دهنده آگاهی نگارگر از جهان عرفانی و عالم معنا است و به کارگیری مضامین عرفانی در این نگاره‌ها در جهت به خدمت گرفتن آموزه‌های اخلاقی است.

این مفاهیم عرفانی نیز در اشعار مولانا و تعبیر ملاحظه‌ها بیان شده است، در واقع به شکلی معنا در معنا آوردن است همان‌طور که قرآن علاوه بر معنای ظاهری، دارای معنای باطنی و هر آیه، برخوردار از هفت یا هفتاد بطن است. مولانا نیز با احتیاط از ظاهر به بطن آیات راه می‌برد تا به کشف آنها در لایه‌های پنهانی‌شان بپردازد. بنابراین برای بیان مفاهیم متعالی عرفانی خویش به کاربست عناصر مختلف و تعبیری که از آن بهره برده، پرداخته‌است از جمله آتش که مفاهیمی همچون عشق، حرص، ریاضت، شهوت، شیطان، و ... را مصداقی برای آتش می‌داند، از دیگر عناصر

خود را ترک کرده‌ام (تاجدینی، ۱۳۸۲ : ۴۷۸).

رنگِ آهن رنگِ محو آتش است

ز آتشی میل‌افد و خامش و ش است

چون به سرخی گشت، همچون زرِ کان

پس اناالنار است لافش بیزبان

شد ز رنگ و طبع آتش محتشم

گوید او من آتشم من آتشم

(۴-۱۵۴۳) : (تصویر ۲۱).

#### بحث

پژوهش‌های پیشین بیشتر نگاهی کلی و معطوف به موضوع معراج پیامبر را داشته‌اند و در واقع به صورت اجمالی به مشاهدات پیامبر از بهشت و جهنم در حین معراج اشاره شده است. اما در هیچ یک از این منابع آنگونه که در این پژوهش رویکرد زیبایی‌شناسانه نگاره‌ها مدنظر است به طور جامع به بررسی تصاویر دوزخ، ارتباط و شکل‌گیری این تصاویر با متن قرآن و بررسی عناصر نمادین موجود در نگاره‌های این نسخه خطی پرداخته نشده است. همچنین ابعادی که در این پژوهش با توجه به رویکرد زیبایی‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته است در حوزه محتوایی متن تصویری نگاره بوده‌اند.

#### نتیجه‌گیری

دومین اصل مهم اعتقادی در دین اسلام، ایمان به معاد و روز رستاخیز است و در اسلام کمتر موضوعی به اندازه معاد و نتیجه عمل انسان که همان بهشت و جهنم است، دارای اهمیت است. توصیف دوزخ و مراتب آن علاوه بر توصیفات قرآن در روایات مربوط به معراج و روایات دیگر نیز به روشنی نقل شده است و نمونه تجسم تصویری آن را در نگاره‌های نسخه میرحیدر می‌توان مشاهده کرد. در بررسی نگاره‌های دوزخی این معراج‌نامه، شاهد تعدادی عناصر و عوامل تصویری اصلی و ثابت هستیم که از خصوصیات و ویژگی‌های بارز در جهنم

۹. «جامه آتش را بر بالای کافران بریده‌اند، و بر سر آنان آب جوش ریخته می‌شود، که با آن درونشان گداخته می‌شود و پوستشان می‌سوزد و برای آنان گرزهای آهنین در کار است».

### فهرست منابع

- پورنامداریان، تقی. ۱۳۶۷. رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی فرهنگی.
- تاجدینی، علی. ۱۳۸۲. فرهنگ نماد و نشانه‌ها در اندیشه مولانا. تهران: سروش.
- جلالیان، مینا. ۱۳۸۹. بررسی مبانی زیبایی‌شناسی از دیدگاه مولوی. منظر، (۸): ۱۰-۱۳.
- حسینی، سیدرضا. ۱۳۸۳. بررسی مفهوم و معنویت در نقش و نگاره‌های نقاشی ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. دانشگاه شاهد.
- خوشدل، محمدرضا. ۱۳۸۲. آدم از بهشت تا بهشت. تهران: نشر حریر.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا، جلد ۸. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذکاوتی فراگزلو، علی رضا. ۱۳۷۹. عرفانیات (مجموعه مقالات عرفانی). تهران: حقیقت.
- رزسگای، ماری. ۱۳۸۵. معراج‌نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر (ص). ت: مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی (مهاس).
- ژینیو، فیلیپ. ۱۳۹۴. ارداویراف‌نامه، سروده زرتشت بهرام پژود. ت: آموزگار، ژاله. تهران: معین.
- سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۰. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۸. صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شین دشتگل، هلنا. ۱۳۸۹. معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص) سده‌های ۸-۱۴ ه.ق. تهران: علمی و فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۷. «رساله سه اصل»، به اهتمام محمدرضا جوزی. به تصحیح سید حسین نصر. تهران: روزنه.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۸. «الحکمه المتعالیته فی الاسفار الاربعه». ت: محمدخواجهوی. تهران: مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۴۱۰. «الحکمه المتعالیته فی الاسفار الاربعه» ت: اسفار. جلد ۱. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- طاهرخانی، عبدالله و همکاران. ۱۳۷۸-۷۹. فرهنگ واژگان ادبی و عرفانی. تهران: ورا دانش.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳. المیزان فی تفسیر القرآن. جلد بیستم. ت: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳. المیزان فی تفسیر القرآن. جلد نوزدهم. ت: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عطار، محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۴. منطق الطیر. به اهتمام و تصحیح: صادق گوهرین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عمید، حسن. ۱۳۷۴. فرهنگ عمید. جلد اول و دوم. چاپ دهم. تهران:

نمادین در تمام نگاره‌های دوزخ، تاریکی است که درآیه ۴۰ سوره نور آمده است؛ و اعمال کافران را به ظلمت‌هایی تشبیه کرده، مولانا تحت تأثیر همین آیات تاریکی را انکار حقایق و جهل می‌داند، ملاصدرا نیز اشاره می‌کند که دوزخ سرای روحانی خالص نیست، بلکه تیره است. تغییر چهره از دیگر خصوصیات دوزخ و دوزخیان است، ملاصدرا در رساله سه اصل آورده است: هر صفت که در دنیا بر کسی غالب شود به سبب بسیاری افعال و اعمالی است که صاحب آن



تصویر ۲۱. عذاب متکبرین. بخشی از تصویر ۱۶.

صفت را است، و در روز قیامت صاحبش به صورتی مناسب آن صفت محشور می‌شود. در این نگاره‌ها شاهد محکومانی هستیم که سرهایشان به شکل الاغ و خوک درآمده است، خوک در مثنوی مولانا نمادی از آزمند حرامخوار است و یا ریاکارانی تصویر شده‌اند که بر دست و پایشان غل و زنجیر بسته شده است مولانا نیز تمایلات نفسانی انسان را به غل و زنجیر تعبیر کرده است بنابراین کاربست عناصر نمادینی نظیر دیو، قفس، عقرب و ... که در این نگاره‌ها مشاهده می‌شود در اشعار مولانا و تعبیر ملاصدرا، در قالب الفاظی با معنای فراواقعی خود به کار رفته‌اند و به شکل نمادین به بیان حقایق و آموزه‌ها می‌پردازند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. و قال النبی (ص): «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً، وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (أملی، ۱۳۶۸: ۵۳۰).
۲. «أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا» (غافر / ۷۶)، «...حَتَّى إِذَا جَاءَهَا فَتِيَتْ أَبْوَابُهَا» (زمر / ۷۱)، «لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ» (حجر / ۴۴).
۳. «أَذَلَّكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ...»
۴. «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ \* طَعَامٌ الْأَيْمِ \* كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ \* ...» (سَدَّخُ الرِّبَابِيَّة)
۵. (سَدَّخُ الرِّبَابِيَّة)
۶. (حج / ۱۹-۲۲)
۷. (مرسلات / ۳۰-۳۳)
۸. (حاقه / ۳۰)، (ابراهیم / ۴۹)، (انسان / ۴)

- نسفی، عزیزالدین. ۱۳۴۱. *الانسان الكامل*. با تصحیح و مقدمه فرانسوی ماریژان موله. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
- وکیلی، ندا و جوانی، اصغر. ۱۳۹۳. تطبیق نشانه-معناشناسی تصاویر دوزخ (در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی و کمدی الهی دانته). *باغ نظر*، (۲۹): ۸۰-۷۱.
- مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قبادی، حسینعلی. ۱۳۸۸. *آیین آیین*. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- قرآن کریم، ۱۳۸۰. ت: الهی قمشهای، مهدی. تهران: روزنه.
- معمارزاده، محمد. ۱۳۸۶. *تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی*. تهران: دانشگاه الزهرا.



**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

محمدزاده، مهدی، چرخ، رحیم و باری، زهرا. ۱۳۹۷. نمادهای عرفانی در نگاره‌های دوزخ معراج‌نامه میرحیدر. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۰): ۶۳-۷۶.

DOI: 10.22034/bagh.2018.62766

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_60565.html](http://www.bagh-sj.com/article_60565.html)

